

آموزگاران

ترجمه آقای حبیب الله خان مظفری

مقاله راجع باصول تعلیم بقلم مسیو سیلستر M Silvestre مدیر مدرسه آلیانس فرانسه سابقاً در مجله تعلیم و تربیت انتشار یافت اینک مقاله دیگری راجع باموزگاران نگاشته اند که در این شماره درج میگردد



تعلیم و تربیت جوانان شغلی است که از نقطه نظر علو مقام و افتخار بی نظیر میباشد و چون اخلاق و لیاقت و کفایت هر ملتی منوط بمر بیان آن ملت میباشد لذا هادیان روح و فکر افراد بشر همواره در ادوار مختلفه دارای شئون و مورد احترام عامه بوده و در جامعه مقامی مخصوص داشته و دارند . معهدنا همیشه قدر و قیمت این شغل بطوریکه باید بر همه و همه جا معلوم نگشته و معلمین مقامی را که شایسته آنان بوده در جامعه احراز نکرده و مورد احترامات حقه خود واقع نشده اند چنانکه شعر موسه Musset شاعر شهیر فرانسوی را همه در نظر دارند که میگوید : * باید مانند معلم مدرسه جاهل بود نباید از این شعر چنین استنباط نمود که شاعر مذکور منکر استفاده از معلم خوب بوده است ولی بعضی از آنها را که استحقاق و لیاقت چنین شغلی را نداشته اند در نظر داشته و در باره آنها شعر فوقرا سرانیده است و بعقیده نگارنده سزاوار نیست که در حق شخصی که بشغل معلمی پیردازد چنین قضاوت بشود چه اگر بنظر دقت بدستور تعلیمات ابتدائی مراجعه بکنیم می بینیم که برای اخذ تصدیقنامه ابتدائی باید دارای معلوماتی بود که دامنه آن بالنسبه وسیع میباشد . ممکن است که معلمین مدارس ابتدائی دارای معلومات کافیه نباشند تا بتوانند بطوریکه باید شاگردان خود را ترقی بدهند معهدنا مکلفند

از حیث میزان علمی واجد شرایطی باشند که مانع میشود از اینکه کلمه « جاهل » با آنها اطلاق شود. زندگانی امروزه ملل دنیا وادار میکند که تحصیلات ابتدائی نیز متضمن اطلاعاتی بوده که دانستن آن بر هر يك از افراد بشر واجب و لازم میباشد. آیا ممکن است که حتی معلم مدرسه ابتدائی بکلی عاری باشد از مسائل اجتماعی و سیاسی که در اجتماعات خصوصی و عمومی و در جرائد یومیه مورد بحث واقع میشود؟ با توسعه که امروزه سیاست بخود گرفته غیر ممکن است که معرفت و علم معلمی که موسسه باو اشاره کرده است تقریباً از یکصد سال قبل تا کنون از آن حد محدود تجاوز نکرده و بتوان معلم امروزه را با معلم آن عهد مقایسه نمود چه شرایط زندگانی در جامعه جدید او را مجبور میکند که جاهل نبوده و صاحب معلومات بالنسبه کافی باشد. بنا بر این حتی معلم مدرسه ابتدائی در جامعه اهمیتی حائز گشته و موقعیت اجتماعی وی او را از ظلمت فراموشی بیرون آورده و مورد توجه عامه قرار داده است.

در اروپا و مخصوصاً در فرانسه و آلمان وظیفه معلمین مدارس ابتدائی از حیث تربیت اطفال خیلی بااهمیت شده و بسا اشخاصیکه تحصیلات ابتدائی کامل کرده اند آتیه درخشانی در پیش دارند چه عده از دانشمندان و سیاستمداران که در بدو امر فقط تحصیلات ابتدائی نموده بودند با کمک همان معلومات که بمنزله یابۀ محکمی بوده موفق به حل مشکلاتین قضایای علمی و سیاسی گردیده اند گر چه عده این قبیل اشخاص خیلی زیاد نبوده معینا بجندی بوده است که همین مسئله بتواند فائده عمومی و اهمیت تحصیلات ابتدائی را محرز نماید.

تحصیلات متوسطه شامل اطلاعات مفصلتری بوده و دستور آن متضمن شعب مختلفه ادبیات و فلسفه میباشد. مطلعین و اهل خبره معتقدند که

پرگرام تحصیلات متوسطه خیلی سنگین و با در نظر گرفتن زمان که سریعاً فوت میشود بهتر آنستکه از کمیت پرگرام متوسطه کاسته و بر کیفیت آن افزوده گردد تا نتایج اطمینان بخش و پر ثمره بدست بیاید. تحصیلات متوسطه پرده از روی عجائب و غرائبی که علوم در بر دارند برداشته و اشخاصیکه این مرحله از تحصیلات را می پیمایند بجهل بشر پی برده و همین آگاهی تا اندازه دال بر اینستکه از درخت علم و معرفت میوه چیده و بهره ور شده اند و پس از اتمام این دوره از تحصیلات میتوانند یکی از شعب علوم متنوعه را اختیار نموده تخصص حاصل نمایند. در اروپا طرز تعلیم معلمین مدارس متوسطه به نحوی است که برای خانواده ها و محصلین و مملکت کاملاً مفید و اطمینان بخش میباشد و امتحاناتیکه بالاخره منجر باخذ دیپلم دکتری یا لیسانس میشود بی نهایت مشکل است و معلم جوانی که یکی از دیپلمهای مزبور را بدست بیاورد دارای معلوماتی میباشد که با صفات دیگری که لازم ملزوم شغل معلمی است میتواند در آینه معلم جلیل القدری بشود. اما تحصیلات عالییه شامل قسمتهای تخصصی است و تدریس مواد مختلفه آن بعهدہ پرفسور های عالی مقامی است که بوسیله انتشار کتب علمی و فلسفی و ادبی شهرتی بحق یافته و بمقامی ارجمند نائل گشته اند و حتی برخی از آنها در قسمت خود بدرجه اجتهاد رسیده و کاملاً از عهدہ رفع احتیاجات متناسب با عهد خود بر آمده اند و محصلین ساعی و زحمت کش که از دروس پرفسور های فوق الذکر استفاده نموده میتوانند از عهدہ انجام شغلی که انتخاب نموده اند کاملاً بر آیند. اما نباید تصور نمود برای اینکه معلم بتواند از عهدہ تدریس بر آید تنها علم و تبحر کامل در مواد تدریسیه کافی میباشد چه ممکن است علماء بزرگ و متبحرین سترک در ادبیات و علوم مختلفه موفق باخذ نتایج مطلوبه

در فن تدریس تکررند زیرا برای تعلیم لازم است که بعلاوه معلومات استعداد و قریحه خاصی از طرف خداوند عطا شده باشد چنانکه يك ضرب المثل لاتینی میگوید: « کسی که بخواهد شعر بگوید باید شاعر متولد شده باشد » ما میگوئیم کسی که بخواهد معلم بشود باید معلم متولد و برای این امر بالطبع ساخته شده باشد چه بدون دارا بودن صفاتی که مختص معلمی است کسی نمیتواند از عهده انجام این شغل پر مسئولیت بر آید و خوبی و بدی معلم متناسب با درجه آن صفات مختصه میباشد بنا بر این چنانچه معلم دارای ذوق مخصوص معلمی و صفات لازمه آن باشد و سعی وافی و با حرارت دائمی در انجام وظیفه خود ابراز نماید قطعاً دروسش جالب توجه شده و با عشق مفرطی که برای تعلیم دارد قهراً انواع وسائل برای پیشرفت کار و نیل بمقصود پیدا خواهد کرد و از هر لحظه استفاده کرده تا اینکه بر معلومات معلمی خود افزوده و بهتر بتواند بمقصود برسد و در مدت قلیلی نفوذ و اقتداری که برای هر معلمی لازم است بدست آورده و در شاگردان خود اعتماد و محبت و احترام که بدون آن طبعاً تدریس بلا نتیجه خواهد ماند نسبت بخود تولید خواهد کرد. معلم حقیقی از کار و خستگی بیعی نداشته و دائماً برای انجام وظیفه خود حاضر میباشد و بدون اینکه در فکر استراحت بوده همیشه اوقات کار را کافی ندانسته و مایل است بر ساعات درس افزوده شود تا بتواند درس خود را با نصایح سودمند و شرح و تفصیل مفیده متناسب با درجه معلومات و اطلاعات و قوه شاگردان خود توأم نماید.

فن تعلیم و تربیت بجدی مشکل است که هیچکس نمیتواند ادعای استادی و مهارت کامل در آن نموده و خود را بی نقص بداند. معلم لایق معلمی است که منقد خود گشته و لاینقطع در تفحص باشد که بمعایب

خود پی برده و در صدد رفع آن بر آید و جدیت بکند که درس امروز را بهتر از درس دیروز بیاموزد و باید دائماً مواظب بوده و زحمت بکشد تا در این شغل که نیل بحد کمال آن تقریباً از محالات است باندازه مهارت یابد که لا اقل هرچه بهتر میتواند وظیفه اش را انجام دهد بالاخره معلم خوب باید مراقب باشد که در موقع تدریس مواقع مقتضی را از دست نداده و همینکه دقت و روح شاگردان خود را برای فهم موضوعات معضله حاضر دید موقع را مغتنم شمرده مطالب مشکل ماده را که تدریس مینماید بشاگردان تعلیم نماید .

صفات مختصه معلم لایق را بیان کردیم حال شمه از آنچه که معمولاً می بینیم شرح میدهم :

معلمینی هستند که تصور مینمایند پس از اخذ دیپلم که با آنها حق تعلیم میدهند نباید کار کرده و بمعلومات خود بیفزایند و باید منحصرأ از لذایذ زندگانی متمتع گردند باینواسطه در موقع تدریس ابدأ خستگی بخود راه نداده و با اینکه بی نهایت مایلند که نظم و سکوت و دقت و دیسیپلین از طرف محصلین در کلاس مرعی گردد بهیچوجه قدمی در اینراه برنداشته و کمترین زحمت را بخود روا نمیدارند و غالباً موضوع درسرا حاضر نکرده سعی نمیکند که معلومات خودرا توسعه داده و بیشتر در فن تعلیم خبیر و بصیر گردند و در نتیجه آنچه را هم که در مدرسه فرا گرفته اند فراموش کرده و از روز اول شروع بکار جاهل تر میشوند . بدینطریق بر طبق اصلی که میگوید « همانطور معلم همانطور شاگرد » عدم سعی و کوشش معلم در محصلین تأثیر کرده و آنها نیز تدریجاً کاهلی را در پیش گرفته و از روی سعی و دقت کار نمیکند با این ترتیب محصلین تا موقع خاتمه تحصیلات تمام پرگرام را طی نکرده و سر امتحاناتی حاضر

میشوند که اکثر از مواد آنرا نیاموخته و فقط دیپلمی در نتیجه رافت و اغماض ممتحنین بدست میآورند با این رویه جهل معلم و محصل روز بروز قوت گرفته و میزان علم و تربیت غیر کافی و متوقف میماند در صورتیکه اگر طرز تعلیم بطور شایسته عمل شود استادان ماهری در هر يك از شعب علوم مختلفه بمنصه ظهور و بروز میرسند. با این کاهلی و بیحالی که معلمین در انجام وظایف خود ابراز میدارند آئینه درخشانی برای تربیت معلمین لایق پدیدار نبوده و ممکن نخواهد بود برای جامعه آموزگاران که شایسته این مقام باشند تهیه نمود.

در تمام ممالک معلمین و محصلین شایق ایام تعطیل میباشند ولی در ممالک شرقی ایام بیکاری با يك بشاشت خاصی تلقی شده و معلم و محصل دائماً مترصد میباشند که عذری پیدا کرده و کار را تعطیل نمایند در اروپا روز های تعطیل منحصر به اعیاد قانونی بوده و قبلاً معین شده است و هیچیک از معلم و محصل منتظر تعطیل فوق العاده نبوده مرتباً وظایف خود را انجام میدهند بدینطریق وقفه در امور تحصیلی رخ نداده و محصلین با کمال نظم و ترتیب رشته های مختلف پرگرام را طی نموده و خود را برای امتحانات حاضر مینمایند. انسانی و مطالعات فرنگی

در مشرق زمین آب و هوای لطیف و آفتاب درخشان و با حرارت بیشتر باعث تنبلی شده و کار کردن غیر قابل تحمل بنظر میآید و در مقابل لطائف طبیعت کسی بسهوات تن بکار نمیدهد و باین واسطه محصلین میخواهند در ظرف مدت قلیلی تحصیلات خود را بدون رنج و تعب بیایان رسانیده و فارغ البال از لذایذ طبیعت متمتع گردند و باید اعتراف نمود که عده زیادی از معلمین محصلین را به کاهلی و تنبلی تحریص مینمایند چه خود آنها کمتر جدیت و فعالیت در انجام وظیفه ابراز داشته

و آنی از پیدا کردن عذرهای مختلف از قبیل مراجعت یکی از اقوام از مسافرت یا لزوم انجام يك کار فوری و غیره برای تعطیل کار غفلت میورزند و چنانچه از آنها سؤال شود که به چه کاری در کلاس اشتغال دارند بلا درنگ جواب خواهند داد که تنها فکرشان آنستکه زودتر از اطاق درس خارج شده و از هوای آزاد استفاده نمایند باینطریق وقت میگذرد و چنانچه مدیر مدرسه هم از معلمین جدیت و ساعی تر نباشد وقفه کلی در پیشرفت محصلین حاصل و بجای ترقی بقهقرا خواهند رفت. از طرف دیگر چون هر معلمی شخصاً شاگردان خود را در آخر سال امتحان مینماید و میداند که خود با جدیت انجام وظیفه نکرده است نسبت بشاگردان نیز سختگیری ننموده و سطحی امتحان مینماید و در نتیجه اکثر شاگردان حتی نالا یقترین آنها از عهده امتحانات برآمده و موفق باخذ تصدیقنامه میگردند.

در اینجا لازم میدانند تذکر دهد که البته معلمینی هستند که بمسئولیت خود پی برده و با کمال مهارت تدریس مینمایند و در راه انبای وظیفه از هیچگونه فداکاری فروگذار نکرده و با نهایت ذوق و شوق در پیشرفت محصلین میکوشند در صورتیکه متأسفانه این قبیل معلمین مورد تحسین و تمجید واقع نگشته و تشویق نمیشوند تا وسائل دلگرمی آنها فراهم و بیش از پیش پیشرفت حاصل نمایند. اما از آنجائیکه بد بختانه عده این قبیل معلمین معدود است نمیتوانند نفوذ قابل ملاحظه در سایر آموزگاران داشته و آنها را نیز بوظایف خود واقف نمایند و بنا براین آنچه که در فوق ذکر شد شامل اکثر از معلمین بوده و تقریباً عمومیت دارد معذک باید معلمین لایق مایوس نگشته و خود را سرمشق سایرین قرار دهند تا میزان فعلی تعلیمات پیشرفت نموده و بدرجه که لازم است برسد گرچه اصلاح وضعیت کنونی بنظر دشوار میآید ولی غیر ممکن الوقوع نبوده

و بعضی از طرق اصلاح آنها که بنظر ما میرسد ذیلاً خاطر نشان مینمائیم :
 لازم است جلساتی بعنوان « دروس علم التعلیم » Cours pédagogiques در تحت ریاست اشخاص بصیر و خبیر در این فن تشکیل و در آنجا عموم معلمین حاضر شوند تا وسایل ترقی تعلیمات درجات مختلفه را از ابتدائی تا عالی مورد بحث و مذاقه قرار داده و برای پیشرفت آن اقدامات مقتضی بعمل آرند و ضمناً در صدد برآیند که وسایل تشویق کارکنان حقیقی و معلمین لایق را فراهم و نواقص معلمینی را که کاملاً بوظایف خود پی نبرده اند مرتفع نمایند .

وزارت جلیله معارف موظف است که با تفتیشات دقیقه و متوالیه از معایب و نقائص مدارس مطلع شده و در رفع آن سعی وافی مبذول دارد و ضمناً از تشویق و مساعدت مدیران و معلمین لایق خود داری نموده و در توبیخ و مجازات و حتی عزل معلمین وظیفه تا شناس و نالایق که با وجود نصایح و سفارشات لازمه در انجام وظیفه و تکمیل خود کوتاهی میکنند سهل انگاری روا نداند بعلاوه لازم است محصلینی که در مدت سال غیبت های متوالی بدون عذر موجه نموده و وظایف محصلی را کاملاً انجام نمیدهند موقتاً از حق گذراندن امتحان محروم شوند و از طرف دیگر باید هیئت ممتحنین را از اشخاصی تشکیل دهند که با معلومات بوده و از اصول تعلیم بهره مند باشند تا با نهایت بیطرفی داوطلبانرا امتحان نموده و بمحصلینی حق اخذ دیپلم بدهند که حقیقه شایسته و لایق باشند .

عملی نمودن نکات فوق از اهم واجبات است و باید نکات دیگری بر حسب لزوم و احتیاج مرعی گردد .

قضیه دیگری که باعث عدم پیشرفت تعلیم شده قلت حقوق معلمین

میباشد و بعقیده نگارنده لازم است که با وجود اشکالات بودجه بهر نحویکه ممکن است اقدام شود که در حق معلمین حقوق کافی برقرار گردد و الا دیپلمه هائیکه میتوانند معلمین لایقی شده و دراینراه خدمات شایانی بجامعه بنمایند بواسطه کمی حقوق شغلی غیر از معلمی اختیار مینمایند و نتیجه این میشود که یافتن معلمین لایق که با حقوقهای معموله معلمی بنمایند خالی از اشکال نمیشود بنا بر این اقدام عاجلی برای افزودن حقوق معلمین نهایت ضرورت را دارد. ما نمیخواهیم بگوئیم که برای ایجاد خصائل لازمه در معلمین لایق افزودن حقوق بتهائی کافی میباشد ولی اولین شرطی است که بلاشک معلمین را بشغل خود راغب نموده و باعث تشویق آنان گشته و باینواسطه وا دار میشوند که وظایف خود را بوجه احسن انجام دهند.

بنا بر آنچه در این مقاله ذکر شد رعایت دیسیپلین در امور تعلیم نهایت لزوم را داشته و باید آقایان معلمین بدانند که اولین شرط معلمی آنستکه معلم با معلومات بوده و در ایفای وظایف نهایت جدیت و کوشش را ابراز داشته و برای شاگردان خود سر مشق جدیت و فعالیت باشد.

بعقیده ما روزی که هر معلمی بوظایف خود پی برده و برای انجام آن از هیچ نوع فداکاری خود داری ننماید ما بمقصود خود که عبارت از تعلیم و تربیت جوانان ایرانی است نزدیک شده و در نتیجه افراد اهالی مملکت ایران که در راه ترقی و تعالی قدم گذارده اند بوظایف وطنپرستی خود پی برده و ایران مقام ارجمند خود را ما بین ملل دنیا احراز خواهد نمود. -

مقاله دیگری راجع بمحاسن و معایب محصلین ایرانی نگاشته و قارئین محترم مجله تعلیم و تربیت را خاطر نشان خواهیم نمود که در چه و برای چه محصل ایرانی میتواند از محصل اروپائی برتر یا پست تر باشد. انتهی